



کیاوش زارع طلب نویسنده و بازیگر:

**تصمیم برای بازی من ناگهانی گرفته شد**

کیاوش زارع طلب، نویسنده و بازیگر نقش اصلی سریال «میراث» در گفت‌وگویی با روزنامه صبا پرده از رازهای شکل‌گیری این اثر برداشته است؛ اثری که تأکید می‌کند حدود ۵ تا ۶ درصد آن، برداشت آزاد از یک تجربه شخصی بوده است. وی درباره تصمیم ناخواسته خود برای بازی در نقشی که نوشته، اجحاف ناشی از تأخیر هفت ساله در پخش و در عین حال مدارای او در سکوت، به بیان دیدگاه‌های صریح خود پرداخت.

**شما علاوه بر بازی، نویسندگی این اثر را نیز بر عهده داشته‌اید، از شکل‌گیری ایده سریال «میراث» برایمان بگویید.**

این داستان ریشه در بخشی از زندگی شخصی من دارد. با شخصیتی مشابه کاراکتر اصلی سریال از نزدیک مواجه شده بودم و ابتدا طرح کلی آن در ذهنم شکل گرفت. سپس این ایده به فیلمنامه تبدیل شد. البته آنچه در سریال می‌بینیم، حدود ۵ تا ۶ درصد با واقعیت اولیه تفاوت دارد؛ چراکه عناصر دراماتیک به آن افزوده شد. از ابتدا برایم مهم بود که بهانه‌ای برای تولید وجود داشته باشد، اما می‌دانستم پرداخت مستقیم به سوز، جذابیت لازم را ایجاد نمی‌کند. به همین دلیل، از مؤلفه‌هایی مانند ماجرای انحصار وراثت و مسائل پیرامونی استفاده کردم تا ارتباط راحت‌تری با مخاطب برقرار شود.

**آیا از ابتدا نقش اصلی را برای خودتان نوشته بودید؟**

خیر. اصولاً علاقه‌ای به بازی در آثار خود ندارم. در میان حدود ۳۰ نمایشنامه‌ای که نوشته‌ام، فقط یک‌بار به ناچار بازی کرده‌ام. در این پروژه هم تمایلی به ایفای نقش نداشتم، اما شرایط به گونه‌ای پیش رفت که ناچار شدم این مسئولیت را بپذیرم.

**پخش سریال پس از هفت سال تأخیر، چه تأثیری بر شما گذاشت؟**

قطعاً اگر این سریال هفت سال پیش پخش می‌شد، اتفاقات بسیار بهتری برای من رقم می‌خورد؛ شاید اتفاقاتی بی‌نظیر. این تأخیر نوعی اجحاف بود که جبران‌ناپذیر است. با این حال، در تمام این سال‌ها حتی یک‌بار هم اعتراض نکردم. ترجیح دادم سکوت کنم و مدارا داشته باشم. امروز هم خوشحالم که سریال پخش شده و مهم‌تر از آن، مخاطب احساس نمی‌کند با اثری متعلق به هفت سال پیش مواجه است. به باور من، «میراث» حتی تا چند سال آینده هم می‌تواند تازه و معاصر به نظر برسد.

**با توجه به حساسیت سوز و ارتباط آن با روحانیت، آیا در مسیر تولید یا پخش با محدودیت جدی مواجه شدید؟**

آنچه نوشتیم، تا حدود ۹۰ تا ۹۵ درصد بدون تغییر تولید و پخش شد. خوشبختانه مدیریت فعلی تلویزیون همراهی قابل توجهی با ما داشت و سانسور خاص یا آسیب‌زننده‌ای به اثر وارد نشد. تا اینجا، حداقل تا قسمت چهاردهم، اتفاق خاصی رخ نداده و امیدوارم در ادامه هم چنین باشد.

**شخصیت روحانی سریال با نمونه‌های کلیشه‌ای تفاوت دارد. این انتخاب آگاهانه بود؟**

کاملاً. از ابتدا تلاش کردم از کلیشه فاصله بگیرم. روحانی «میراث» شبیه همان روحانی‌هایی است که در جامعه می‌بینیم؛ انسانی که عصبانی می‌شود، شکست می‌خورد، اشتباه می‌کند، غمگین می‌شود و دوباره

برمی‌خیزد. این ویژگی‌ها مختص همه انسان‌هاست. من به عمد سراغ موارد خاص و استثنایی نرفتم؛ چه در پرداخت روحانیت و چه در هر قشر اجتماعی دیگر. معتقدم باید کلیت جامعه را دید، نه استثناءها را.

**چرا برای روایت داستان، لحن طنزآمیز انتخاب نشده اما لحظات طنز در کار دیده می‌شود؟**

من اساساً اثر طنز نساخته‌ام. آنچه دیده می‌شود، بازتاب واقعیت زندگی است؛ واقعیتی که گاهی خنده‌دار، گاهی غم‌انگیز و گاهی تراژیک است. اگر مخاطب می‌خندد، به این دلیل است که با حقیقت مواجه شده. از نشان دادن غم یا تراژدی هم فرار نکرده‌ام. مسئله من نمایش واقعیت است، نه تولید لحظات صرفاً کمدیک یا ابرارال شدن.

**به بحث ماندگاری اشاره کردید. به نظر شما چه چیزی یک اثر را ماندگار می‌کند؟**

ماندگاری از صداقت می‌آید. اگر نویسنده با خود و با مخاطب صادق باشد و جانب عدالت را بگیرد، اثرش ماندگار می‌شود. تکنیک مهم است، اما کافی نیست. نگاه من همیشه این بوده که بدون حب و بغض بنویسم. مخاطب این صداقت را درک می‌کند و حتی اگر ایرادی هم وجود داشته باشد، از آن عبور می‌کند. آثار ماندگار تاریخ سینما و ادبیات، محصول همین نگاه صادقانه‌اند.

**بازی در نقشی که خودتان نوشته‌اید، چه چالش‌هایی داشت؟**

بسیار دشوار بود. تصمیم برای بازی، ناگهانی گرفته شد و من یک‌باره در موقعیت اجرا قرار گرفتم. با این حال، بازیگران همراهم کمک بزرگی بودند و از شیوه بازی آن‌ها بسیار آموختم. بازی مقابل بازیگر خوب، خود نوعی آموزش است. البته معتقدم بازی در تصویر با تأثیر تفاوت‌های جدی دارد و هر بازیگر تنگنانه‌ی الزام‌آور تصویر موفق نیست.

**با وجود استقبال مخاطبان، چرا این سریال زودتر پخش نشد یا در پلتفرم‌ها قرار نگرفت؟**

واقعیت این است که هیچ‌کدام از پلتفرم‌ها حاضر به پخش آن نشدند و توضیح روشنی هم ارائه ندادند. تصور غالب این بود که چنین اثری «نمی‌گیرد». در حالی که امروز می‌بینیم در پخش تلویزیونی و حتی در فضای مجازی، بازخورد قابل توجهی داشته است. این نشان می‌دهد که گاهی مخاطب به درستی شناخته نمی‌شود.

**اگر بخواهید نگاه کلی خود را به سریال سازی امروز بیان کنید، چه می‌گویید؟**

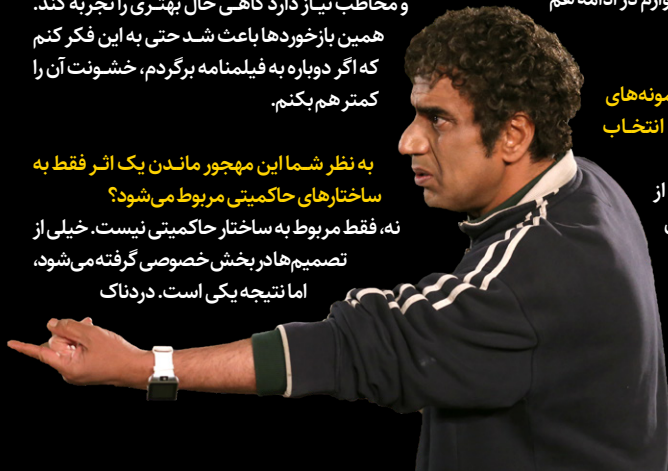
من به آثاری علاقه دارم که حال مخاطب را خوب می‌کنند؛ حتی اگر تلخ باشند. امید، انگیزه و آینده برایم مهم است. ممکن است در کار بعدی‌ام به سراغ فضایی خشن‌تر بروم، اما باز هم محور اصلی، انسانیت و امید خواهد بود. به باور من، اثر صادقانه اگر پرزرق و برق نباشد، در نهایت راه خود را به دل مخاطب پیدا می‌کند.

**بعد از بازخوردهایی که از مخاطبان داخلی و خارجی گرفتید، نگاهتان به اثر تغییر کرده است؟**

بله. بازخوردهای مثبتی از مخاطبان داخل و خارج از ایران، از جمله سوئیس، سوئد، آلمان، دیگر کشورهای اروپایی و حتی آمریکا دریافت کردیم. بسیاری از مخاطبان می‌گفتند برایمان مهم است که در یک اثر، خشونت و درگیری مداوم نبینند؛ این که شخصیت‌ها مدام با هم دعوا نکنند یا یکدیگر را نکشند. جامعه به اندازه کافی خشونت می‌بیند و مخاطب نیاز دارد گاهی حال بهتری را تجربه کند. همین بازخوردها باعث شد حتی به این فکر کنم که اگر دوباره به فیلمنامه برگردم، خشونت آن را کمتر هم بکنم.

**به نظر شما این مهجور ماندن یک اثر فقط به ساختارهای حاکمیتی مربوط می‌شود؟**

نه، فقط مربوط به ساختار حاکمیتی نیست. خیلی از تصمیم‌ها در بخش خصوصی گرفته می‌شود، اما نتیجه یکی است. دردناک



**چگونه بوده است؟**  
اغلب بازیگران همراهی خوبی داشتند، به‌ویژه آقای داریوش کاردان که واقعا مثل همیشه کنار ما بود. بعضی دوستان ترجیح دادند کمتر صحبت کنند یا واکنش رسانه‌ای نداشته باشند و من کاملاً به انتخاب‌شان احترام می‌گذارم. هیچ‌وقت از کسی نخواستم پست بگذارد یا مصاحبه کند. هرکس اختیار خودش را دارد.

**آیا برنامه‌ای برای ساخت فصل جدید یا ادامه این اثر دارید؟**  
فعلاً پیشنهادهایی مطرح شده، اما همه چیز به متن و رسیدن به یک اتفاق نظر بستگی دارد. اگر به جمع‌بندی برسیم، ممکن است ادامه پیدا کند.

**در پایان، اگر نکته‌ای مانده که دوست دارید اضافه کنید، بفرمایید.**  
من هیچ‌وقت به خودم اجازه ندادم بابت پخش نشدن یک سریال، خودم را قربانی جلوه بدهم. وقتی می‌دانم مردم با رنج‌های بسیار بزرگ تری دست‌وپنجه نرم می‌کنند، خجالت می‌کشم از رنج شخصی خودم حرف بزنم. بله، این هفت سال سخت بود اما در برابر دردهای مردم، این‌ها چیز بزرگی نیست. ترجیح دادم سکوت کنم، کار کنم، بخندم و انرژی بدهم. مردم شریف و صبوری داریم و من خودم را یکی از آن‌ها می‌دانم.

است که یک اثر هفت سال بماند و کسی سراغش نرود، اما به محض پخش، همه خواهانش شوند. این وضعیت واقعا آدم را دچار فرسودگی و حتی افسردگی مزم می‌کند. شما نقدهای جدی‌ای به مدیریت رسانه ملی دارید، اما در عین حال از آن دفاع هم می‌کنید. این تناقض نیست؟  
من منتقد تلویزیون هستم و نقدهایم هم جدی است، اما باید منصف بود. این که صرفاً بگوییم تلویزیون مخاطب ندارد، حرف دقیقی نیست. هنوز هم بازگانی تلویزیون از بسیاری از پلتفرم‌ها گران‌تر است و مخاطب بیشتری دارد. پلتفرم‌ها در این سال‌ها ده‌ها سریال ساخته‌اند؛ چند درصدشان واقعا دیده شده‌اند؟ بسیاری از همان آثار موفق هم از دل تلویزیون بیرون آمده‌اند.

**به نظر می‌رسد برخی هنرمندان هم‌زمان با تلویزیون و پلتفرم‌ها کار می‌کنند، اما در مصاحبه‌ها مواضع تندی می‌گیرند.**  
دقیقا. این دوگانگی آزاردهنده است. کسی که هم‌زمان با تلویزیون کار می‌کند، اما در رسانه‌ها به آن حمله می‌کند، در عمل و حرفش تناقض وجود دارد. نقد حق همه است، اما استفاده ابزاری از نقد برای جلب توجه یا افزایش دنبال‌کننده، به نظرم درست نیست.

**واکنش بازیگران سریال به پخش اثر بعد از هفت سال**